حکمرانی آب؛ یک چالش و چند پیشنهاد

حسین رضایی تاج آبادی
دبیرکل انجمن پسته ایران



بحران آب به قدری جدی است که کمتر روزی پیش می‌آید در مورد آن مطلبی نخوانیم یا نشنویم. در این فضای ملتهب، هر گروه، جریان سیاسی یا صنفی بنا به برداشت‌های ذهنی، اغراض و مصالح خود به اظهارنظر و ارائه راهکار برای حل آن می‌پردازد؛ راهکارهایی که وجه مشترک همه آنها، بخشی‌نگری و چشم‌پوشی از ریشه‌ها و عوامل به‌وجود آورنده آن است.

بسیاری از کارشناسان و مسئولان، به‌دلیل اینکه بخش خصوصی صرفاً به نقد راهکارهای پیشنهادی اکتفا می‌کند و در مسیر ارائه راهکار قدم نمی‌گذارد، از آن انتقاد می‌کنند. قصد داریم در این نوشتار ضمن پرداختن به برخی پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های یک راهکار مناسب برای وضعیت فعلی منابع آب کشور، پاسخی به این نقد داده‌باشیم.

برکسی پوشیده نیست که برداشت از منابع آبی کشور سال‌هاست که از حد توان این منابع فراتر رفته و برای به تعادل رسیدن دشت‌ها چاره‌ای جز کاهش برداشت نداریم. ولی، مشکل کجاست که علی‌رغم پذیرش این پیش فرض و دانستن راهکار، روزبه‌روز از هدف دورتر می‌شویم؟!

وضعیت بحرانی منابع آب کشور به‌صورت تدریجی و در طی پنج دهه گذشته ایجاد شده‌است. بدون تردید، آنچه امروز حاصل شده، صرفاً زاییده عملکرد یک وزارتخانه و یا گروهی از بهره‌برداران نیست؛ بلکه معلول شرایط حاکم بر فضای اقتصادی، قانونی، سیاسی، اجتماعی، فنی و اقتضائاتی بوده که در طول زمان به‌واسطه بی‌تدبیری و کوتاه‌نگری به‌وجود آمده‌است. از این‌رو، برای یافتن راهکار، علاوه بر تحلیل مولفه‌های به‌وجود آورنده بحران آب، باید نگاهی چندبُعدی به این موضوع داشت. اگر چنین نگرشی وجودنداشته باشد، تلاش‌ها جهت نقد و ارائه راهکار نافرجام خواهندماند؛ چون حل مساله با مفروضات اشتباه، پاسخ درستی نخواهدداد.

به‌عنوان مثال، چگونه می‌توان به مساله بحران آب ورود کرد، ولی معضلات و مشکلاتی که مُنبعث از ساختار معیوب حکمرانی آب کشور است را نادیده گرفت؟! ساختاری که از دهه ۴۰ به این سو، به‌تدریج وظیفه اصلی حراست و نگهداری از منابع آب کشور را به‌دست فراموشی سپرده و در عوض به‌صورت خزنده و پنهان در جهت مصادره بلامنازع منابع آبی کشور حرکت کرده‌است. این ساختار و نگرش، جایگاه و حقی برای بهره‌برداران بخش کشاورزی قائل نیست و با فراموش کردن نقش غالب خود در به‌وجود آوردن بحران، راهکار را صرفاً در پاک کردن صورت مساله و انداختن توپ در زمین بهره‌برداران می‌بیند.

علاوه بر این، چگونه می‌توان اقتصاد بیمار کشور را که از طریق اعطای انبوه رانت و یارانه‌های پیدا و پنهان به‌طور باورنکردنی انگیزهٔ هجوم و استفاده غیر بهره‌ور از منابع خدادادی کشور را تقویت کرده، نادیده گرفت؟! آنچه در حال حاضر می‌بینیم تنها نوک کوه یخی است که ریشه در اعماق اقیانوس دارد. متأسفانه، نگاه ضدکشاورزی و علاقمند به صنعت، که امروز در بین نخبگان سیاسی و بوروکراسی دولتی رایج شده، ادامه همان طرز فکری است که وضعیت کنونی منابع آبی کشور را بدین شکل رقم زده‌است. به‌عبارت دیگر، با پیمودن مجدد این الگو، فرجامی جز هدر رفت سایر منابع طبیعی کشور در سایه انرژی ارزان‌قیمت و رانت نمی‌توان متصور بود. اگر تا دیروز برخی افراد جاهل، کشاورزان سخت‌کوش این مرز و بوم را به اسراف منابع آبی کشور متهم می‌کردند، امروز باید گفت، صنایع رانتخوار و انرژی‌بَر با قدرت و توان بسیار زیادی، مشغول نابودی همه منابع خدادادی کشور هستند.

همچنین، آیا می‌توان به دنبال راهکار بود، ولی نیم‌نگاهی به روند قانون‌نویسی آب کشور نداشت؟ روندی که بر پایه اقتضائات زمانی و مصلحت‌اندیشی‌های کوتاه‌مدت بوده و همواره مسیر ابهام را بر صراحت، شفافیت و تعاریف دقیق فنی ترجیح داده است. آشکارا پیداست که روند قانون‌گذاری فعلی کشور، ماحصلی جز قانون‌شکنی، قانون‌گریزی و اعمال سلیقه شخصی مجریان آن نداشته‌است. حتی می‌توان گفت طی چهل سال گذشته، نتیجه قانون‌گذاری عمدتاً تنبیه قانون‌مداران و تشویق قانون‌گریزان بوده‌است.

با تمام این اوصاف، دستیابی به یک راهکار منطقی غیرممکن نیست، ولی بی‌شک نیازمند گام نهادن در مسیری سخت، طولانی و پرچالش است که اولین قدم آن شناخت درست واقعیات و عوامل موجد چنین شرایطی است. پیمودن این مسیر نیازمند ایثار و از خودگذشتگی همگانی است. در این مسیر سخت و طاقت فرسا، اولین وظیفهٔ بخش خصوصی، روشنگری، آگاهی بخشی و نقد گذشته خواهدبود.

مسیر حل بحران

برای حل چالش‌های بحران آبی باید ۴ اصل زیر را پذیرفت:

۱

قانونی‌نویسی

راه خروج از بحران آب کشور از مسیر قانون‌نویسی جدید نمی‌گذرد؛ چرا که نوع برخورد مصلحتی و سلیقه‌ای ۵۰ ساله با قوانین، موجب بی‌اعتباری آن نزد همگان شده‌است.

۲

نسخه‌پیچی

منابع آبی کشور دیگر توان سعی و خطا و نسخه‌پیچی در اتاق‌های در بسته را ندارند و مسیر برون‌رفت از بحران آب از شناخت واقعیات و واکاوی همه ابعاد و عوامل به‌وجود آورنده آن می‌گذرد.

۳

ابرچالش پیچیده

بحران آب تنها یکی از چندین ابرچالش پیچیده و درهم‌تنیده کشورمان است که فائق آمدن بر آنها تنها با عزم و اراده ملی جهت اصلاح ساختارهای اقتصادی و سیاسی کشور امکان‌پذیر است. دیوانسالاران آب کشور از سیاست‌گذاران گرفته تا مجریان، هم‌اکنون در پایین‌ترین میزان سرمایه اجتماعی خود قرار دارند. ایشان باید بدانند که بحران امروز، نتیجه پنج دهه تفکرات سوسیالیستی حاکم بر این مجموعه‌ها بوده‌است که باید از آن برائت جُست.

۴

مسیر معقول

دستیابی به هر مقصد و هدفی هرچند عامه پسند یا خیرخواهانه، نباید جز از مسیر مشروع و معقول صورت بپذیرد؛ و در این مسیر، هدف توجیه کنندهٔ وسیله نیست.